

طراحی مدل کارآمدسازی یارانه‌ها بر مبنای حکمرانی خوب

انسیه نجابت*، امیرحسین امیرخانی**، علیرضا موغلی*** و حسن درویش****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶	شماره صفحه: ۲۶۷-۲۳۵
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدلی برای کارآمدسازی یارانه‌ها بر مبنای حکمرانی خوب انجام شده و تلاش دارد ویژگی‌ها و عناصر «یارانه خوب» - یعنی یارانه‌ای که تبلوری از شاخص‌های حکمرانی خوب باشد - شناسایی و نحوه ارتباط آنها با شاخص‌های حکمرانی خوب را تبیین کند. در این راستا ضمن اتخاذ روش ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی، نخست در بخش کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون، ادبیات نظری و همچنین آرا و نظرات خبرگان مرتبط با موضوع که از طریق مصاحبه جمع‌آوری شده بود، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و عناصر کارآمدی یارانه یا همان مؤلفه‌های یارانه خوب تحت ۹ عنوان (سیاست و برنامه کارشناسی و مناسب، هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها، شفافیت و قابلیت رهگیری، عدم ایجاد تبعات منفی یا زمینه برای فساد، محدوده زمانی مشخص، حجم منطقی منابع یارانه و تخصیص بهینه آنها، توانمندسازی مضمولان و حل ریشه‌ای مسائل موضوعه، مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان، ارزیابی و بهبود مستمر) شناسایی و ضمن تعیین نحوه ارتباط آنها با شاخص‌های حکمرانی خوب، مدل اولیه تحقیق ترسیم شد. در بخش کمی برای سنجش اعتبار نتایج بخش کیفی، مدل اولیه در قالب پرسشنامه محقق ساخته در اختیار مجموعه گسترده‌تری از خبرگان قرار گرفت. در این مرحله از شاخص میانگین برای تحلیل نظرات خبرگان استفاده شد و همه روابط مفروض در مدل اولیه با کسب نمره بالاتر از متوسط ۳، مورد موافقت خبرگان واقع شدند. همچنین معناداری نتایج با استفاده از آزمون کای دو و میزان اهمیت روابط نسبت به یکدیگر از طریق آزمون رتبه‌بندی فریدمن تأیید و مدل نهایی پژوهش طراحی شد.

کلیدواژه‌ها: یارانه؛ کارآمدی یارانه؛ حکمرانی خوب؛ تحلیل مضمون؛ تحلیل تم

* دانش‌آموخته دکتری مدیریت دولتی؛

Email: nejabat@ut.ac.ir

** دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: amir1339@pnu.ac.ir

*** استاد گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور تهران؛

Email: ar.mooghali@pnu.ac.ir

**** دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور تهران؛

Email: Dr_darvish@pnu.ac.ir

مقدمه^۱

حکومت‌ها به فراخور اهداف و رویکردهای کلان خود، فرایندها، ساختارها و نظام‌های اجتماعی متمایزی ایجاد کرده و روش‌ها یا مدل‌های متفاوتی را در مدیریت امور عمومی به کار می‌گیرند که مجموعه این عوامل تا حد زیادی تعیین‌کننده وضعیت کلی زندگی مردم جامعه خواهد بود. بر این اساس همان‌گونه که سیاست‌ها و قوانین مناسب و کارآمد می‌توانند موجبات پیشرفت یک جامعه را فراهم کنند، خط‌مشی‌ها و قوانین نامناسب ممکن است خود به مانعی در برابر توسعه تبدیل شده و منشأ بروز ناکامی‌های متعدد در عرصه‌های گوناگون باشند. بنابراین یکی از مهمترین مسائل پیش‌رو در زمینه خط‌مشی‌گذاری عمومی، دستیابی به مدل‌هایی است که بتوانند کارآمدی قوانین و سیاست‌های عمومی را در حوزه‌های گوناگون عملکرد حاکمیت ارزیابی و تأمین کنند.

در میان سیاست‌های عمومی، خط‌مشی‌های یارانه‌ای به دلیل اثرات قابل توجهی که بر شرایط زندگی آحاد جامعه و نیز عملکرد کلان دولت‌ها دارند از اهمیت زیادی برخوردار هستند. منظور از خط‌مشی یارانه هرگونه سیاست یا برنامه عمومی است که در آن نوعی از مساعده (شامل پول نقد، کالای بلاعوض، وام کم‌بهره یا بی‌بهره، تخفیف مالیاتی و ...) توسط دولت و در راستای تنظیم بازار، ایجاد عدالت، رفاه اجتماعی و توسعه عمومی به همه یا برخی از مستحقان (نهادهای، بنگاه‌ها و افراد) تخصیص داده می‌شود (شهائی، دانایی‌فرد و آذر، ۱۳۹۵).

خط‌مشی‌های یارانه‌ای در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم با هدف مقابله با مشکلات و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ در بسیاری از کشورهای جهان به تدریج شکل گرفته و گسترش یافتند؛ اما در دهه‌های اخیر بروز عواملی

۱. مقاله مستخرج از رساله دکترا در گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

همچون رشد جمعیت کشورها و افزایش تقاضا برای خدمات عمومی در کنار محدودیت منابع، رشد بی‌رویه مصرف کالاهای یارانه‌ای و آثار مضر زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن موجب شده است که دولت‌ها به‌طور جدی درصدد اصلاح سیاست‌های یارانه‌ای خود و افزایش کارآمدی آنها برآیند. در حال حاضر پرداخت یارانه‌های عمومی در بسیاری از کشورهای جهان کارآمدی لازم را ندارد (Ferraresi, Kotsogiannis and Rizzo, 2018) و دولت‌ها به‌رغم تخصیص بخش قابل توجهی از بودجه به انواع گوناگون یارانه‌های پنهان و آشکار، به اهداف و نتایج موردنظر خود در حوزه‌هایی همچون تأمین رفاه، عدالت اجتماعی و نظایر آن دست نمی‌یابند و گاهی انتظارات عمومی و تبعات ناخواسته یارانه‌ها به حدی است که دولت‌ها را در کنترل و مدیریت نحوه تخصیص یارانه‌ها با چالش‌های جدی مواجه می‌کند.

اما آنچه در بهبود یارانه‌های عمومی باید مورد توجه قرار گیرد، لزوم تعیین ویژگی‌ها یا شاخصه‌های اصلی نظام یارانه‌ای مطلوب است؛ شاخصه‌هایی که بتوانند اجمالاً چارچوب کلی «یارانه کارآمد» را ترسیم و جهت‌گیری عملکرد دولت‌ها را در نحوه کارآمدسازی یارانه‌ها مشخص کنند. در واقع دولت‌ها نخست باید بدانند که کارآمدی یارانه‌های عمومی (صرف‌نظر از انواع و ابعاد گوناگون آنها) چه الزاماتی دارد و چه عوامل یا مؤلفه‌هایی باید در تخصیص یارانه‌ها لحاظ شود تا در مرحله بعد بتوانند بر مبنای آن عوامل برای پرداخت انواع گوناگون یارانه متناسب با اقتضائات خاص خود برنامه‌ریزی و اقدام کنند. بنابراین شاید اولین گام برای بهبود یارانه‌ها، دستیابی به الگو یا مدل مشخصی برای تأمین کارآمدی یارانه است که ضمن هدایت کردن برنامه‌ها و اقدامات ذی‌ربط، نقاط مرجع و محورهای مهمی که در تدوین یا اصلاح یارانه‌های عمومی باید مدنظر قرار گیرد را معین کند.

نکته قابل تأمل در این باره آن است که کارآمدی سیاست‌های کلان در هر

جامعه‌ای تا حد زیادی متأثر از نوع و ماهیت حکمرانی آن جامعه است و رویکرد کلان حاکمیت در خصوص نحوه اداره امور عمومی، علاوه بر ایجاد هماهنگی میان سیاست‌ها و برنامه‌های گوناگون، می‌تواند مبنای سنجش میزان مطلوبیت آنها نیز قرار می‌گیرد. چراکه فرضاً ویژگی‌های «یارانه کارآمد» و الزامات تحقق آن در یک حکومت سوسیالیستی قطعاً متفاوت با حکومتی از نوع لیبرال دموکراسی خواهد بود و بنابراین پیش از تعیین مشخصات یارانه مطلوب لازم است نوع حکمرانی مدنظر برای بهبود یارانه‌ها مشخص شود. یعنی باید بدانیم که در کدام یک از اشکال حکمرانی درصد تأمین کارآمدی یارانه‌های عمومی هستیم.

در این راستا اگر «حکمرانی خوب» را به منزله الگوی مطلوب حکمرانی لحاظ کرده و شاخص‌های آن را خطوط راهنمای پیشرفت و توسعه یافتگی و راه‌حل بسیاری از مشکلات و کاستی‌های موجود در جوامع بدانیم (مقیم‌ی و همکاران، ۱۳۹۵)، می‌توان کارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های کلان دولت‌ها در بخش‌های گوناگون را با توجه به میزان تأثیرگذاری آنها در تحقق حکمرانی خوب ارزیابی کرد. به عبارت دیگر اگر جهت‌گیری و رویکرد کلان حاکمیت، دستیابی به حکمرانی خوب باشد؛ باید سیاست‌های عمومی در حوزه‌های گوناگون به نحوی تنظیم شوند که در راستای اهداف و شاخص‌های حکمرانی خوب بوده و امکان تحقق آنها را افزایش دهند. بنابراین کارآمدی یارانه‌های عمومی نیز مستلزم تناسب و هماهنگی آنها با شاخص‌های حکمرانی خوب خواهد بود.

براین اساس مسئله پیش‌رو آن است که چگونه می‌توان کارآمدی یارانه‌های عمومی را بر مبنای الگوی حکمرانی خوب تأمین کرد؛ یعنی یارانه‌های عمومی باید از چه ویژگی‌ها یا شاخصه‌هایی برخوردار باشند تا بتوان آنها را هماهنگ و هم‌راستا با اهداف و شاخص‌های حکمرانی خوب دانست. پژوهش حاضر درصد یافتن پاسخ این

مسئله از طریق طراحی و تبیین مدلی است که نحوه کارآمدسازی یارانه‌ها را بر مبنای شاخص‌های حکمرانی خوب توضیح می‌دهد. بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است:

مدل کارآمدسازی یارانه‌ها بر مبنای الگوی حکمرانی خوب چگونه است؟

سؤالات فرعی پژوهش نیز به این شرح است: مهمترین عناصر کارآمدی یارانه‌ها بر مبنای الگوی حکمرانی خوب کدامند؟ و روابط بین عناصر کارآمدی یارانه‌ها با شاخص‌های حکمرانی خوب چگونه است؟

در پژوهش حاضر ضمن معرفی مفهوم «یارانه خوب» به عنوان یارانه‌ای که هم‌راستا و متناسب با حکمرانی خوب تنظیم شده و تبلوری از شاخص‌های آن به شمار می‌رود، تلاش شده است از طریق شناسایی مؤلفه‌ها یا عناصر کارآمدی یارانه بر مبنای حکمرانی خوب و تعیین روابط میان این عناصر با شاخص‌های حکمرانی خوب، مدل کارآمدسازی یارانه‌ها مبتنی بر الگوی حکمرانی خوب طراحی شود.

۱. ادبیات نظری

۱-۱. یارانه

ماهیت یارانه عمدتاً بیانگر حمایتی است که از جانب دولت نسبت به قشر خاصی (یا گاهی کل جامعه) در دوره‌های زمانی خاص به منظور تأمین رفاه اجتماعی از طریق کاهش هزینه‌ها انجام می‌گیرد (پژویان، ۱۳۸۵). اما در دهه‌های اخیر متناسب با تحولاتی که در عرصه اقتصاد رخ داده است، معنا و مفهوم یارانه‌های عمومی نیز تا حدی متحول شده و تکامل یافته است. به طوری که امروزه یارانه‌های عمومی صرفاً به منزله انتقال بلاعوض منابع اقتصادی دولت برای کمک به گروه‌ها یا افراد خاص در نظر گرفته نمی‌شوند؛ بلکه بیشتر به عنوان یک ابزار اقتصادی قوی برای فعال کردن مزیت‌های نسبی جامعه و پیگیری اهداف توسعه لحاظ می‌شوند که به کارگیری آنها

لزوماً افزایش رفاه را در پی نخواهد داشت. به این ترتیب آنچه امروزه با عنوان یارانه شناخته می‌شود شامل هر نوع پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم دولت به صورت کمک مالی، امتیاز اقتصادی یا اعطای برتری ویژه‌ای به مؤسسات خصوصی، خانوارها یا واحدهای دولتی است که برای دستیابی به اهداف موردنظر انجام می‌گیرد (مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۹۰).

براساس تعریفی که سازمان تجارت جهانی^۱ از یارانه ارائه کرده است، اگر دولت یا یک رکن عمومی درون قلمرو یکی از اعضا (سازمان) اقدام به پرداخت کمک مالی کند، به نحوی که این کمک نفعی را به دریافت‌کننده آن منتقل کند، یارانه اعطا شده است.^۲ در این تعریف سه رکن اساسی وجود دارد که برای مصداق یافتن یارانه باید هر سه شرط وجود داشته باشد: ۱. نوعی کمک مالی، ۲. توسط دولت یا بخش عمومی، ۳. نفعی را به دریافت‌کننده اعطا کند. در رابطه با شرط نخست این کمک می‌تواند متضمن انتقال مستقیم وجوه (مانند کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه)، تعهدات یا انتقالات بالقوه مستقیم وجوه (مانند تضمین وام)، چشم‌پوشی از بخشی از درآمد دولت که در شرایط دیگر وصول می‌شد (مانند مشوق‌های مالیاتی) و یا خرید کالاها و خدمات خاص (به غیر از موارد مرتبط با زیرساخت‌های کلی کشور) باشد.

اگرچه پژوهشگران در خصوص شرایطی که پرداخت یارانه موجه و منطقی تلقی می‌شود اجماع و اتفاق نظر ندارند (Sun et al., 2016)؛ اما عمده‌ترین عواملی که ضرورت تخصیص یارانه‌های عمومی را توجیه می‌کنند در سه دسته ضرورت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و حاکمیتی قابل دسته‌بندی هستند. از منظر اقتصادی عواملی همچون مقابله با شکست بازار (Afcha and Lopez, 2014)، ایجاد ثبات

1. World Trade Organization (WTO)

2. https://www.wto.org/english/res_e/publications_e/ai17_e/subsidies_art1_jur.pdf.

اقتصادی و جلوگیری از نوسانات غیرقابل کنترل در عرصه اقتصاد (رئیس‌زاده و منجذب، ۱۳۹۵)، بازتوزیع منابع عمومی (Sovacool, 2017)، افزایش اشتغال در سطح جامعه (Grima et al., 2008)، تقویت بخش تولید و افزایش رقابت‌پذیری آن و نیز بهبود رفاه و تأمین حداقل معیشت برای آحاد جامعه (سپهردوست، ۱۳۹۲) از جمله عواملی هستند که پرداخت یارانه‌های عمومی را توجیه می‌کنند. از جهت اجتماعی نیز تأمین اهدافی چون عدالت اجتماعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و کنترل آسیب‌های اجتماعی و از بُعد سیاسی و حاکمیتی، عواملی چون لزوم مدیریت بحران‌ها و پیگیری اهداف مشروع در حوزه‌هایی نظیر حفظ محیط زیست و توسعه فناوری‌های مبتنی بر انرژی‌های تجدیدپذیر (Jeon, Lee and Shin, 2015) و همچنین حمایت از فعالیت‌های مرتبط با تحقیق و توسعه (Hünernmund and Czarnitzki, 2019)، با ضرورت تخصیص یارانه‌ها ارتباط می‌یابند.

۲-۱. حکمرانی خوب

حکمرانی را می‌توان به معنای هنر مدیریت منابع ملی، طبیعی و انسانی دانست (Hokayem and Kairouz, 2014) که بر این اساس نحوه حکمرانی، تعیین‌کننده سبک هدایت جامعه و چگونگی به‌کارگیری منابع عمومی خواهد بود (پورعزت، ۱۳۸۷). اما با توجه به اینکه مدیریت منابع عمومی مستلزم اتخاذ تصمیم در خصوص چگونگی مواجهه با منافع متضاد ذی‌نفعان است، مقوله حکمرانی با فرایندهای تصمیم‌گیری و نحوه اعمال قدرت و اختیار و بازیگران غیردولتی بی‌شماری که بر فرایند تصمیم‌گیری تأثیرگذارند (Singleton and Rubin, 2014)، مرتبط می‌شود. بنابراین برخی صاحب‌نظران حکمرانی را برابری عملکرد بازیگران مختلفی می‌دانند که به همراه هم و در تقابل با یکدیگر آن را محقق می‌کنند (الوانی، ۱۳۸۸). در واقع

مفهوم حکمرانی دربرگیرنده قواعد بازی (یعنی ارتباطات بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان)، بازیگران و داوران احتمالی بازی است (McCall and Dunn, 2012) و کیفیت حکمرانی، بیانگر نحوه ارتباط میان دولت و مردم، ماهیت عوامل مؤثر در فرایندهای تصمیم‌گیری و چگونگی عملکرد آنهاست.

اما «حکمرانی خوب» مفهومی میان‌رشته‌ای است که در خلال ادبیات توسعه شکل گرفته و نشان از یک تغییر پارادایم در نقش دولت‌ها و حکومت‌ها دارد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۱) که طی آن دولت بیش از آنکه در نقش یک قوه قاهره خودش تصمیمات لازم را بگیرد و اجرا کند، زمینه‌ساز تحقق مشارکت سایر بخش‌ها در توسعه است و از طریق ایجاد ثبات و پایداری در جامعه، چارچوب‌های قانونی مناسب را برای اثربخشی فعالیت‌ها فراهم می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۸۳). در حکمرانی خوب مشارکت و همکاری بین سه رکن اصلی «دولت»، «بخش خصوصی» و «جامعه مدنی» موجب می‌شود که مسائل و امور عمومی به شکل بهتری اداره شوند و همین ارتباط صحیح و تعاملی، زمینه تحقق آن را در ابعاد گوناگون فراهم می‌کند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲).

بانک جهانی حکمرانی خوب را شامل ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو (همان) می‌داند که در سیاستگذاری قابل پیش‌بینی، باز و روشن (به معنای فرایندهای شفاف)، بوروکراسی حرفه‌ای، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود، مشارکت فعال مردم در امور عمومی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد (World Bank, 1994). در همین راستا دکتر کافمن و همکارانش در بانک جهانی، شاخص‌های حکمرانی خوب را ذیل ۳ بخش و تحت ۶ عنوان شناسایی و معرفی کردند (احمدی، ۱۳۹۵). از نظر آنان حکمرانی دارای سه حوزه اصلی است:

الف) فرایندی که طی آن دولت‌ها انتخاب، پایش و جایگزین می‌شوند،

ب) ظرفیت دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح،
 ج) احترام دولت و شهروندان به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و سیاسی بین آنها حاکم است.
 آنها متناسب با هر یک از این سه حوزه، دو شاخص برای حکمرانی ارائه کردند (Kaufmann, Kraay and Mastruzzi, 2010) که در جدول ذیل عناوین و تعاریف آنها آمده است.

جدول ۱. شاخص‌های حکمرانی خوب از نظر بانک جهانی

تعریف هر شاخص	شاخص‌های حکمرانی خوب	حوزه‌های اصلی حکمرانی
میزان توانایی شهروندان یک کشور در انتخاب دولت خود و میزان آزادی بیان، آزادی انجمن‌ها و آزادی رسانه‌ها	۱. حق اظهار نظر و پاسخگویی	فرایندی که طی آن دولت‌ها انتخاب، پایش و جایگزین می‌شوند
میزان احتمال بی‌ثباتی یا سرنگون شدن یک دولت از طریق ابزارهای مغایر با قانون اساسی و یا ابزارهای خشونت‌آمیز شامل خشونت‌های دارای انگیزه سیاسی (مانند شورش داخلی) و تروریسم	۲. ثبات سیاسی و عدم خشونت	ظرفیت دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح
مفاهیم ناظر بر کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهروندی و میزان استقلال آن از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و اعتبار تعهد دولت به این خط‌مشی‌ها	۳. اثربخشی دولت	
توانایی دولت در تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و مقررات صحیحی که توسعه بخش خصوصی را مجاز دانسته و ارتقا می‌بخشد	۴. کیفیت تنظیم مقررات	

تعریف هر شاخص	شاخص‌های حکمرانی خوب	حوزه‌های اصلی حکمرانی
میزان اعتماد و پایبندی عاملان نسبت به قوانین اجتماعی و به‌طور خاص شامل کیفیت اجرای تعهدات، حقوق مالکیت، [عملکرد] پلیس و دادگاه‌ها و نیز احتمال وقوع جرم و خشونت	۵. حاکمیت قانون	احترام دولت و شهروندان به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و سیاسی بین آنها حاکم است
میزانی که از قدرت عمومی برای منافع شخصی استفاده می‌شود، شامل اشکال خرد و کلان فساد و نیز تسخیر دولت توسط نخبگان و در راستای منافع شخصی	۶. کنترل فساد	

این شاخص‌ها از طریق مشخص کردن آنچه مطلوب است و فراهم کردن ابزارهایی برای شناسایی و اصلاح اقدامات غیراستاندارد، عملکرد را متعادل کرده (Lockwood, 2010) و اقدامات را در جهت بهبود حکمرانی، هماهنگ می‌کنند.

۳-۱. پیشینه پژوهش

نتایج حاصل از بررسی ادبیات نظری مرتبط با موضوع پژوهش حاکی از آن است که برخی مطالعات مرتبط با موضوع، درصدد ارائه مدلی برای بهینه‌سازی یارانه‌ها بوده و یا تلاش کرده‌اند میزان بهینه یارانه را در یک حوزه معین (مانند انرژی) و یا در راستای تأمین یک هدف ویژه (مثل توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر) در یک منطقه یا کشور خاص برآورد کنند. پژوهش‌های معدودی نیز عوامل مؤثر در بهبود سیاست‌گذاری عمومی را در مورد سیاست‌های یارانه‌ای بررسی و نتایج حاصل را گزارش کرده‌اند. اما پژوهشی که به‌طور خاص در جهت شناسایی مؤلفه‌های کارآمدی یارانه (فارغ از منطقه یا نوع خاصی از یارانه) انجام شده باشد، یافت نشد.

در واقع خلأ علمی در این زمینه عبارت است از: فقدان مدل‌ها یا شاخصه‌هایی که بتوانند کارآمدی یارانه‌های عمومی را صرف‌نظر از شرایط محیطی خاص آنها ارزیابی و چارچوب کلی یارانه مطلوب را ارائه کنند. از این‌رو پژوهش حاضر با توجه به اینکه

موضوع کارآمدسازی یا بهبود یارانه‌های عمومی بر مبنای الگوی حکمرانی خوب و شناسایی مؤلفه‌های یارانه خوب تاکنون در مطالعات پیشین مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است، در راستای پاسخگویی به این نیاز پژوهشی انجام شد.

۲. روش تحقیق

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر روش ترکیبی و از نوع اکتشافی متوالی است و مراحل اجرایی آن به ترتیب در دو بخش کیفی و کمی انجام شده است. به این صورت که برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش، نخست در مرحله کیفی تحقیق با استفاده از روش تحلیل مضمون^۱ ادبیات نظری و نظرات تخصصی خبرگان مرتبط با موضوع که با استفاده از ابزار مصاحبه جمع‌آوری شده بود، کدگذاری و تحلیل شد و از این طریق مهم‌ترین عناصر کارآمدی یارانه‌ها بر مبنای شاخص‌های حکمرانی خوب شناسایی و نحوه ارتباط آنها با شاخص‌های مذکور معین شد. در این مرحله مضامین یا تم‌های مستخرج از مصاحبه‌ها و ادبیات نظری با یکدیگر ترکیب و پس از پالایش و جرح و تعدیل، مؤلفه‌های اصلی مدل (یعنی عناصر کارآمدی یارانه بر مبنای حکمرانی خوب یا همان مؤلفه‌های یارانه خوب) استخراج و ارتباط آنها شاخص‌های حکمرانی خوب در قالب مدل اولیه پژوهش ترسیم شد. سپس در مرحله کمی تحقیق، مدل اولیه در قالب پرسشنامه محقق‌ساخته در اختیار جامعه بزرگتری از خبرگان قرار گرفت تا پس از بررسی میزان موافقت آنها با نتایج بخش کیفی، مدل نهایی پژوهش به دست آید.

در مرحله کیفی پژوهش، برای بررسی ادبیات نظری ضمن مراجعه به کتابخانه‌ها و پایگاه‌های علمی الکترونیکی، منابع علمی (کتاب و مقالات) مرتبط با موضوع پژوهش

شناسایی و بررسی شد. منابع فارسی عمدتاً از طریق پایگاه‌های علمی مگیران و ایران‌داک و منابع لاتین نیز از طریق پایگاه‌های علمی ساینس دایرکت،^۱ امرالد،^۲ اسپیرینگز^۳ و اسکوپوس^۴ مورد شناسایی قرار گرفتند. همچنین منابع و دستاوردهای پژوهشی موجود در تارنمای نهادها و سازمان‌های داخلی و بین‌المللی ذی‌ربط (مانند بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و نظایر آن) نیز حسب مورد بررسی شده است. به این ترتیب در مجموع بیش از دویست عنوان منبع علمی مرتبط با موضوع تحقیق مورد مطالعه و بررسی واقع شد. همچنین دیدگاه شانزده نفر از خبرگان مرتبط با موضوع در رابطه با سؤالات پژوهش از طریق انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته اخذ شد. سؤالات مصاحبه به صورت باز مطرح و به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که از تجمیع پاسخ‌های دریافتی بتوان پاسخ سؤالات پژوهش را استخراج کرد. به این صورت که در هر سؤال از مصاحبه‌شونده درخواست می‌شد الزامات پیاده‌سازی یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب را در حوزه یارانه‌های عمومی بیان کند. یعنی متناظر با هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب، عناصری که بتوانند هماهنگی و هم‌راستایی یارانه با آن شاخص را تأمین کنند (مؤلفه‌های یارانه خوب) را معرفی کنند تا ارتباط مؤلفه‌های مدنظر با شاخص مربوطه نیز مشخص شود.

تمایل پژوهشگران بر آن بود که همه مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام شود؛ اما به دلیل محدودیت‌های ناشی از شیوع کرونا تقریباً نیمی از مصاحبه‌ها به صورت حضوری و نیمی غیرحضوری انجام گرفت. مصاحبه‌ها حتی الامکان ضبط و سپس

-
1. Science Direct
 2. Emerald
 3. Springs
 4. Scopus

به‌طور دقیق پیاده‌سازی و در مواردی که امکان ضبط مصاحبه فراهم نشد، نکاتی که طی یادداشت‌برداری در حین مصاحبه مکتوب شده بود، ویرایش و تایپ و در قالب نسخه الکترونیکی تدوین می‌شد.

برای «تحلیل مضمون» مصاحبه‌ها و ادبیات نظری مرتبط با موضوع، متن مصاحبه‌ها و منابع علمی مرتبط کدگذاری شدند و سپس کدهای استخراجی مورد پالایش و دسته‌بندی قرار گرفتند.

شناسایی و استخراج مضامین مرتبط با مؤلفه‌های یارانه خوب در سه سطح مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر انجام شد. به این صورت که پس از شناسایی کدهای مرتبط با عناصر کارآمدی یارانه (مؤلفه‌های یارانه خوب)، برای هر کد عنوانی متناسب با محتوای مفهومی آن انتخاب شد و مضامین پایه شکل گرفتند. سپس ضمن تلفیق، پالایش و جرح و تعدیل کلیه مضامین حاصل از تحلیل ادبیات نظری و مصاحبه‌ها و تلاش برای شناسایی الگوهای مفهومی مشابه میان آنها، مضامینی که دارای قرابت معنایی بودند تحت یک عنوان کلی‌تر که همه معانی مورد نظر را پوشش دهد؛ قرار گرفتند و از این طریق، مضامین سازمان‌دهنده شناسایی شدند. در نهایت با بررسی و تحلیل محتوای مضامین و استنتاج محورهای کلانی که بخش عمده داده‌ها و مضامین به دست آمده حول آنها شکل گرفته بود، مقوله‌های پژوهش یا همان مضامین فراگیر (عناصر یارانه خوب)، استخراج و صورت‌بندی شدند. در پایان این مرحله «شبکه مضامین» ترسیم و مدل اولیه تحقیق طراحی شد.

پژوهشگران در همه مراحل کدگذاری و تحلیل داده‌ها مسیر رفت و برگشت بین داده‌ها، کدها و مضامین شناسایی شده را چندین بار مرور کرده و ضمن اصلاح و تعدیل آنها متناسب با مفاهیم و معانی موجود در داده‌ها، مضامین مرتبط با آنها را شناسایی کرده است. همچنین استخراج مضامین مرتبط با مؤلفه‌های یارانه خوب

بر مبنای هماهنگی درونی و تمایز بیرونی انجام شده است (Schommer et al., 2009). یعنی مضامین تعریف شده در هر سطح به رغم سازگاری و استحکام درونی، نسبت به سایر مضامین شناسایی شده متفاوت بوده و تمایز نسبتاً مشخصی بین آنها لحاظ شده است.

پس از اتمام بخش کیفی تحقیق و طراحی مدل اولیه، نتایج به دست آمده در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و ضمن کسب بازخورد آنان، برخی اصلاحات جزئی در مدل اولیه اعمال شد. سپس در بخش کمی تحقیق به منظور اعتبارسنجی نتایج بخش کیفی، مدل مزبور در قالب پرسشنامه محقق ساخته در اختیار جامعه بزرگتری از خبرگان (پنجاه نفر) قرار گرفت. به این ترتیب که هر یک از روابط مفروض در مدل اولیه - که بیانگر ارتباط میان یکی از مؤلفه‌های کارآمدی یارانه (عناصر یارانه خوب) با یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب است - در قالب یک گویه یا عبارت خبری در پرسشنامه مورد اشاره قرار گرفته و از خبرگان درخواست شد که دیدگاه خود را در خصوص میزان موافقت با هر یک از گویه‌های پرسشنامه در مقیاس پنج درجه‌ای طیف لیکرت (از بسیار زیاد تا بسیار کم) اعلام کنند. در پیوست پرسشنامه تعاریف اجمالی هر یک از مؤلفه‌های یارانه خوب و شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر بانک جهانی به منظور ایجاد برداشت و درک مشترک ارائه شده بود.

بنابراین متناظر با تعداد روابط موجود در مدل اولیه، پرسشنامه تحقیق با ۴۳ گویه تنظیم شد تا در نهایت بتوان از طریق تجمیع نظرات خبرگان، اعتبار هر یک از روابط مدل را ارزیابی کرد. تحلیل کمی نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها بر مبنای شاخص میانگین و با استفاده از نرم‌افزار^۱ SPSS انجام گرفت. ابتدا برای هر گویه، توزیع فراوانی پاسخ‌ها در گزینه‌های مدنظر مشخص و سپس میانگین امتیاز هر گویه

۱. انجام آزمون‌ها و تجزیه و تحلیل‌های آماری در بخش کمی توسط متخصص امور آماری انجام شده است.

بر مبنای امتیازات طیف لیکرت محاسبه شد. کسب میانگین امتیاز بیش از متوسط ۳ به معنای موافقت خبرگان با رابطه مدنظر تلقی شد. برای بررسی معناداری تفاوت پاسخ‌های دریافتی، از آزمون کای دو استفاده شد و چنانچه تفاوت فراوانی پاسخ‌های یک گویه از نظر آماری معنادار بود، رابطه مورد اشاره در آن گویه تأیید و در مدل نهایی لحاظ می‌شد. آزمون رتبه‌بندی فریدمن نیز برای ارزیابی معناداری تفاوت میانگین امتیازهای روابط مدل نسبت به یکدیگر مورد استفاده قرار گرفت و بر این اساس مدل نهایی پژوهش طراحی شد.

جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان مرتبط با حوزه یارانه‌های عمومی و حکمرانی خوب است و همه افرادی را که با توجه به رشته تحصیلی و یا حیطه فعالیت‌های شغلی یا پژوهشی خود در این زمینه متخصص و صاحب‌نظر محسوب می‌شوند، در برمی‌گیرد. برای استفاده توأمان از دیدگاه‌های علمی و تجربیات عملی، جامعه آماری هم شامل اساتید و صاحب‌نظران علمی و دانشگاهی و هم مسئولان و دست‌اندرکاران اجرایی مرتبط با موضوع است.

انتخاب گروهی از افراد به‌عنوان نمونه‌ای از جامعه آماری، به صورت هدفمند و غیرتصادفی و با استفاده از روش گلوله برفی^۱ صورت گرفته و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. ملاک مورد نظر برای شناسایی صاحب‌نظران در عرصه‌های علمی و پژوهشی، منابع و آثار علمی معتبر (نظیر کتاب، مقالات و یا سخنرانی‌های منتشر شده) و یا تدریس افراد در حوزه‌های مرتبط با موضوع بوده است که بر همین اساس، جمعی از اساتید دانشگاه‌ها در رشته‌های علوم اقتصادی، مدیریت دولتی و رفاه اجتماعی مورد مراجعه قرار گرفتند. همچنین افرادی که در عرصه اجرا و به‌طور عملیاتی در تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با یارانه‌ها و یا

شاخص‌های کلان حکمرانی دخیل بوده و یا در نهادهای و سازمان‌های ذی‌ربط (مانند سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، سازمان برنامه و بودجه کشور و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) به‌عنوان مدیر و یا مشاور مسئولیت داشته‌اند نیز در زمره خبرگان مرتبط با موضوع پژوهش شمرده شده‌اند.

به‌منظور تأمین روایی و پایایی یا قابلیت اعتماد نتایج پژوهش از کثرت‌گرایی در روش، کثرت‌گرایی در منابع و کثرت‌گرایی در پژوهشگر^۲ استفاده شده است. بدین صورت که علاوه بر روش کیفی مورد استفاده برای طراحی مدل موردنظر از آزمون‌های کمی نیز برای تأیید نتایج استفاده شد. همچنین تلاش شد داده‌های مورد نیاز برای انجام پژوهش از منابع مختلف جمع‌آوری شود و در این راستا، ادبیات نظری و آرای خبرگان مرتبط با موضوع هر یک به‌طور جداگانه بررسی، کدگذاری و تحلیل شد. به‌علاوه پس از اتمام فرایند کدگذاری، متن سه مورد از مصاحبه‌ها در اختیار یک پژوهشگر مستقل قرار گرفت و ضمن ارائه توضیحات لازم در خصوص موضوع و روش انجام تحقیق از وی خواسته شد که مصاحبه‌ها را کدگذاری کند. برای ارزیابی میزان پایایی کدگذاری‌ها شاخص هولستی (PAO) محاسبه شد و پایایی کدگذاری‌ها با ضریب ۰/۷ مورد تأیید قرار گرفت.

روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظرهای برخی استادان و متخصصان مرتبط با موضوع ارزیابی شد. همچنین برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد که این ضریب برای پرسشنامه تحقیق برابر ۰/۹۷ و بسیار مطلوب بود.

1. Triangulation in Methodology

2. Triangulation in Investigator

۳. یافته‌ها

در بخش کیفی پژوهش طی بررسی و تحلیل ادبیات نظری مرتبط با موضوع، تعداد ۷۸۴ کد یا واحد معنایی مرتبط با سؤالات تحقیق شناسایی شد که کدهای مذکور در قالب ۶۹ مضمون پایه دسته‌بندی شدند. همچنین از مجموع شانزده مصاحبه که با خبرگان ذی‌ربط انجام شد، تعداد ۵۲۶ کد شناسایی و ذیل ۸۹ مضمون متمایز قرار گرفتند.

پس از اتمام فرایند کدگذاری و استخراج مضامین پایه، مضمون‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها و ادبیات نظری با یکدیگر تلفیق شدند. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از مضامین مصاحبه‌ها با مضامین ادبیات نظری یکسان بود (که این امر حاکی از تأیید نکات مدنظر خبرگان در ادبیات علمی است)، مضامین یکسان تحت یک عنوان واحد قرار داده شد و پس از تعدیل و پالایش کلیه مضامین در چندین مرحله، ۱۳۴ مضمون تجمیعی در یک ترکیب‌بندی جدید در قالب ۲۷ مضمون سازمان‌دهنده قرار گرفت و در نهایت در قالب ۹ مقوله یا مضمون فراگیر به شرح جدول زیر شناسایی و دسته‌بندی شدند.

جدول ۲. مقوله‌های حاصل از تحلیل مضمون مصاحبه‌ها و ادبیات نظری و فراوانی

کدهای آنها

ردیف	مقوله‌ها (مؤلفه‌های یارانه خوب)	فراوانی کدها
۱	سیاست و برنامه کارشناسی و مناسب	۲۵۳
۲	هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها	۳۰۴
۳	شفافیت و قابلیت رهگیری	۸۷
۴	عدم ایجاد تبعات منفی یا زمینه برای فساد	۱۶۷
۵	محدوده زمانی مشخص	۲۶
۶	حجم منطقی منابع یارانه و تخصیص بهینه آنها	۱۴۵
۷	توانمندسازی مضمولان و حل ریشه‌ای مسائل موضوعه	۵۱
۸	مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان	۸۵
۹	ارزیابی و بهبود مستمر	۶۰
	جمع فراوانی کدها	۱۱۷۸

نمودار ۱. فراوانی کدهای مرتبط با مقوله‌های پژوهش



در پایان بخش کیفی پژوهش، معنای موردنظر از هر یک از مقوله‌های استخراج شده بر مبنای مضامین ذیل هر مقوله تبیین شد. نتایج به دست آمده برای بررسی و تأیید در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و پس از اعمال برخی اصلاحات جزئی، مدل اولیه تحقیق ترسیم شد. در ادامه معنا و مفهوم کلی هر یک از مقوله‌ها (مؤلفه‌های یارانه خوب) به‌طور خلاصه ارائه می‌شود.

۱. سیاست و برنامه کارشناسی و مناسب: یکی الزامات اساسی برای

تخصیص انواع یارانه‌ها، اعلام اهداف و تعیین یک چارچوب سیاستی منسجم است (Jha et al., 2013) یعنی سیاستگذاران باید اهدافی که از طریق پرداخت یارانه در پی تحقق آنها هستند را به‌طور واقع‌بینانه، دقیق و شفاف مشخص کرده و سیاست مدنظر برای پیگیری آن اهداف را هماهنگ با سایر سیاست‌های کلان پولی، مالی، بازرگانی، صنعتی و نظایر آن معلوم کنند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳). سپس بر مبنای آنها باید برنامه و ضوابط تخصیص یارانه از حیث نوع، مقدار، جامعه هدف، نحوه پرداخت یارانه و مواردی از این قبیل با رعایت کامل اصول علمی و کارشناسی و با ملاحظه شرایط محیطی و بومی (اعم از نیازها، ظرفیت‌ها و شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی)، امکانات و زیرساخت‌های اجرایی موجود و انعطاف‌پذیری مناسب برای افراد و گروه‌های مختلف تنظیم شود.

همچنین لازم است سیاست و برنامه‌های مرتبط با یارانه طوری تنظیم شود که ضمن ملاحظه همزمان منافع ذی‌نفعان مختلف (Zhang et al., 2014) امکان اعمال نفوذ برخی ذی‌نفعان و یا بهره‌گیری از یارانه به‌عنوان ابزاری برای تحقق مقاصد و اهداف سیاسی به حداقل برسد و فرایندهای اجرایی تخصیص یارانه تا حد امکان به صورت ساده و کم‌هزینه و با نقش حداقلی دولت طراحی شوند. زیرا پیچیده بودن عملیات اجرایی یارانه، آثار مثبت آن را کاهش می‌دهد (Dolšak, Hrovatin and

(Zoric, 2020) و بالا بودن هزینه‌های اجرایی، مطلوبیت یارانه را مورد تردید قرار می‌دهد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲).

۲. هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها: رعایت

هدفمندی در تخصیص یارانه‌ها ایجاب می‌کند که دولت در ابتدا مشخص کند که چه کسانی واقعاً استحقاق دریافت یارانه را دارند (Basurto, Dupas and Robinson, 2020) و سپس ذی‌نفعان واجد شرایط را به درستی شناسایی کند (Dizon-Ross, 2017). از این‌رو باید ضمن تدوین معیارهای روشن و قابل‌سنجش برای شناسایی مشمولان یارانه، استحقاق‌سنجی یا شناسایی اعضای جامعه هدف به‌طور جامع (دربرگیرنده همه افراد جامعه هدف)، مانع (غیرمشمول بر افراد خارج از جامعه هدف)، فعال (بدون نیاز به درخواست مشمولان) و متمرکز (توسط یک مرجع معتبر و مشترک برای همه مشمولان) صورت پذیرد.

همچنین باید با اولویت‌بندی اعضای جامعه هدف، سیاست و روش مناسبی برای توزیع یارانه بین آنها تعیین شود؛ چراکه منابع یارانه محدود است و باید در توزیع آن میزان اولویت مشمولان برای برخورداری از کمک‌های دولت رعایت شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸). همچنین لازم است ضمن پیش‌بینی سازوکارهای مناسب برای اصابت کردن یارانه به ذی‌نفعان مدنظر، اطمینان حاصل شود که یارانه به صورت مستقیم و عادلانه توسط همه افراد جامعه هدف دریافت شده و امکان برخورداری مضاعف برخی مشمولان از یارانه وجود ندارد.

۳. شفافیت و قابلیت رهگیری: یکی از الزامات اساسی برای تأمین کارآمدی

یارانه‌ها، دسترسی به اقلام اطلاعاتی مرتبط است و از این‌رو باید سامانه‌های اطلاعاتی دقیق و متمرکز در زمینه یارانه و مشمولان آن وجود داشته باشد. در این راستا باید همه منابع، مصارف، فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای یارانه برای ذی‌نفعان واضح و

روشن بوده و دولت اطلاعات یارانه را در مرحله توزیع آن به‌طور عمومی و شفاف ارائه دهد (Bai et al., 2019). همچنین انواع گوناگون یارانه‌های پرداختی و مشمولان آنها نیز در همه مراحل باید قابل رهگیری، کنترل و رصد باشند.

۴. عدم ایجاد تبعات منفی یا زمینه برای فساد: یارانه‌های عمومی باید به نحوی تخصیص یابند که منجر به ایجاد اختلال و یا آسیب دیدن سایر عملکردها و فرایندهای اقتصادی و اجتماعی نشده و شرایط ترجیحی ناخواسته به نفع برخی بخش‌ها یا فعالیت‌ها ایجاد نکنند. همچنین پرداخت یارانه نباید زمینه و امکان وقوع انواع سوءاستفاده (مانند سواری رایگان یا بازار سیاه) و فساد (نظیر قاچاق، زدوبند یا سرقت از منابع یارانه‌ای) را فراهم کند.

۵. محدوده زمانی مشخص: تخصیص یارانه باید به صورت موقت و مدت‌دار و در یک برنامه زمان‌بندی مشخص انجام شود. به این معنا که پرداخت یارانه باید عاملی موقت برای ایجاد تعادل در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و در جهت حفظ و افزایش کارایی باشد (مصباحی‌مقدم، اسمعیلی گیوی و رعایائی، ۱۳۸۸) و ضمن یک زمان‌بندی هوشمندانه (Rentschler and Bazilian, 2017) در برنامه یارانه‌ای تصریح شود که کمک و حمایت دولت موقتی بوده (Li, Shi and Su, 2017) و صرفاً تا حل مسئله پیش‌رو و دستیابی به اهداف مدنظر ادامه خواهد یافت.

۶. حجم منطقی منابع یارانه و تخصیص بهینه آنها: منابع یارانه باید به اندازه‌ای باشد که از یک‌سو برای دستیابی به اهداف موردنظر و تأمین نیازهای ذی‌نفعان کافی بوده و از سوی دیگر، بیش از حد نباشد و منجر به اتلاف منابع عمومی نشود. در واقع تخصیص یارانه باید توجیه‌پذیری اقتصادی داشته باشد و اگر هزینه‌های یارانه از منافع که ایجاد می‌کند بیشتر باشد، توجیه‌پذیر نخواهد بود (Sun et al., 2016). همچنین

لازم است حجم یارانه نسبت به کل بودجه و مخارج عمومی دولت منطقی بوده و تخصیص آن موجب ایجاد بار مالی اضافی و یا فشار به منابع عمومی نشود. زیرا حجم وسیع یارانه نسبت به بودجه عمومی و عمرانی، خود مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی محسوب شده و دستیابی به اهداف توسعه‌ای بلندمدت را با چالش مواجه می‌کند (فرزین، حسینی و موحدنژاد، ۱۳۹۱).

۷. توانمندسازی مشمولان و حل ریشه‌ای مسائل موضوعه: یارانه‌های عمومی باید در جهت توانمندسازی ذی‌نفعان و فراهم کردن زمینه خودکفایی آنها تخصیص یابند. یارانه‌هایی که به افزایش بهره‌وری، رقابت‌پذیری و توانمندی مشمولان خود منجر نشوند، در بلندمدت محکوم به شکست خواهند بود (Bernini, Cerqua and Pellegrini, 2017). بنابراین همه حمایت‌های دولت به ویژه یارانه‌ها باید از طریق کمک به برطرف کردن محدودیت‌هایی که مانع از فعالیت مؤثر مشمولان می‌شود (Colombo et al. 2013)، زمینه و بستر لازم برای اینکه آنها بتوانند عملکرد مناسب و قابل قبول را به‌طور مستقل و پایدار ارائه کنند، فراهم سازد. همچنین تخصیص یارانه‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن جلوگیری از تنبلی مشمولان و یا وابستگی آنها به یارانه، در بلندمدت حل ریشه‌ای (نه سطحی و ظاهری) مسائل جامعه هدف و بی‌نیاز کردن آنها از دریافت یارانه را دنبال کند.

۸. مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان: برداشت عمومی مردم و نخبگان جامعه درباره نقش و ماهیت یارانه‌ها و نیز میزان مشارکت ذی‌نفعان در تدوین و اجرای طرح‌هایی که برای تخصیص و اصلاح انواع یارانه تنظیم می‌شود، در موفقیت آن طرح‌ها بسیار تأثیرگذار است. بنابراین لازم است ضمن مدیریت مناسب باورها و انتظارات ناظر بر یارانه‌ها، امکان مشارکت و اظهار نظر برابر همه ذی‌نفعان در خصوص نوع، میزان و نحوه پرداخت یارانه‌های عمومی فراهم

شود و سازوکار ارتباطی مشخصی (مانند سامانه‌های الکترونیک، تشکل‌های صنفی و نظایر آن) برای تعامل مؤثر بین دولت و ذی‌نفعان یارانه و جلب همکاری و همراهی آنها وجود داشته باشد. در این راستا اطلاع‌رسانی مناسب در خصوص اهداف و شرایط تخصیص یارانه و بیان روش‌های انجام کار، دلایل، الزامات و محدودیت‌های موجود به‌طور منطقی و صادقانه، نقش مهمی در توجیه افکار عمومی، نخبگان و ذی‌نفعان و کاهش اعتراضات و مقاومت‌های احتمالی خواهد داشت. همچنین فرهنگ‌سازی در جهت اهداف یارانه و افزایش اعتماد نسبت به آن به‌منظور استمرار و پایداری نظم جدید (زیرک، ۱۳۹۲) لازم و ضروری است.

۹. ارزیابی و بهبود مستمر: دولت برای دستیابی به اهداف مدنظر خود باید یارانه‌ها را به درستی طراحی، به خوبی کنترل و با دقت نظارت کند (Feizpour et al., 2016). به عبارت دیگر سازوکارهای نظارتی باید همگام با تخصیص یارانه‌ها طراحی و ایجاد شوند تا اثربخشی آنها را تضمین کنند (Wu, Yang and Tan, 2020) و از مصرف شدن یارانه‌ها در جهاتی غیر از اهداف مدنظر جلوگیری کند (Bai et al., 2019). بنابراین باید نتایج حاصل از اجرای یارانه و میزان اثربخشی و کارایی آن با استفاده از شاخص‌های مناسب و قابل سنجش به‌طور منظم مورد ارزیابی قرار گیرد و سازوکار لازم برای اصلاح و تعدیل خودکار یارانه‌ها بر مبنای بازخورد کسب شده، پیش‌بینی شود. البته مشخص است که اثربخش بودن فرایند نظارت مستلزم وجود ناظران خبره، سالم و متعهد است.

اما در بخش کمی پژوهش پس از محاسبه میانگین امتیاز هر یک از گویه‌های پرسشنامه و استفاده از آزمون کای‌دو برای ارزیابی معناداری تفاوت پاسخ‌ها، هر گویه‌ای که میانگین توافق پاسخ‌دهندگان نسبت به آن بیش از متوسط ۳ بود و شاخص کای‌دو از معناداری نتایج پاسخ‌های آن حمایت می‌کرد، در مدل نهایی

مورد تأیید قرار گرفت. به این ترتیب کلیه روابط مفروض در مدل اولیه از جانب خبرگان تأیید و در مدل نهایی تحقیق لحاظ شدند. در جدول ۲ می‌توان میانگین نمره تخصیص داده شده به هر یک از روابط مذکور را به ترتیب (از بیشترین نمره تا کمترین نمره) مشاهده کرد.

جدول ۳. میانگین نمره خبرگان به مسیرهای تأثیر مفروض در مدل به ترتیب اولویت

شماره گویه	رابطه	تعداد	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
۳۹	مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان بر کنترل فساد	۵۰	۲	۵	۴/۰۸	۰/۹۱
۹	هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها بر کارایی و اثربخشی دولت	۵۰	۲	۵	۴/۰۲	۰/۸۰
۱۸	شفافیت و قابلیت رهگیری بر کنترل فساد	۵۰	۲	۵	۳/۹۸	۰/۹۸
۱۵	شفافیت و قابلیت رهگیری بر کارایی و اثربخشی دولت	۵۰	۲	۵	۳/۹۶	۰/۸۸
۳۴	مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان بر حق اظهارنظر و پاسخگویی	۵۰	۱	۵	۳/۹۴	۱/۰۴
۳	سیاست و برنامه کارشناسی و مناسب بر کارایی و اثربخشی دولت	۵۰	۱	۵	۳/۹۰	۰/۹۷
۳۳	توانمندسازی مشمولان و حل ریشه‌ای مسائل موضوعه بر کیفیت تنظیم مقررات	۵۰	۱	۵	۳/۹۰	۱/۱۱
۳۰	توانمندسازی مشمولان و حل ریشه‌ای مسائل موضوعه بر حق اظهارنظر و پاسخگویی	۴۹	۱	۵	۳/۸۶	۱/۱۳
۳۱	توانمندسازی مشمولان و حل ریشه‌ای مسائل موضوعه بر ثبات سیاسی و نبود خشونت	۵۰	۲	۵	۳/۸۶	۰/۹۳

شماره گویه	رابطه	تعداد	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
۱۳	شفافیت و قابلیت رهگیری بر حق اظهارنظر و پاسخگویی	۴۹	۱	۵	۳/۸۶	۱/۱۲
۱	سیاست و برنامه کارشناسی مناسب بر حق اظهارنظر و پاسخگویی	۵۰	۱	۵	۳/۸۴	۱/۱۸
۴۳	تأثیر ارزیابی و بهبود مستمر بر کنترل فساد	۵۰	۲	۵	۳/۸۲	۰/۹۶
۴۲	ارزیابی و بهبود مستمر بر حاکمیت قانون	۵۰	۲	۵	۳/۸۲	۰/۹۶
۲۷	حجم منطقی منابع و تخصیص بهینه آنها بر کارایی و اثربخشی دولت	۵۰	۲	۵	۳/۸	۰/۹۳
۱۲	هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها بر کنترل فساد	۵۰	۲	۵	۳/۷۴	۱/۰۷
۲۹	حجم منطقی منابع و تخصیص بهینه آنها بر کنترل فساد	۵۰	۲	۵	۳/۷۴	۰/۹۲
۳۵	مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان بر ثبات سیاسی و نبود خشونت	۵۰	۱	۵	۳/۷۴	۱/۰۶
۴۱	ارزیابی و بهبود مستمر بر کیفیت تنظیم مقررات	۵۰	۱	۵	۳/۷۴	۰/۹۹
۶	سیاست و برنامه کارشناسی مناسب بر کنترل فساد	۵۰	۱	۵	۳/۷۲	۰/۹۷
۱۷	شفافیت و قابلیت رهگیری بر حاکمیت قانون	۴۹	۲	۵	۳/۷۱	۰/۹۶
۱۹	عدم ایجاد تبعات منفی یا زمینه برای فساد بر کارایی و اثربخشی دولت	۴۹	۲	۵	۳/۷۰	۰/۸۸
۷	هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها بر حق اظهارنظر و پاسخگویی	۴۹	۱	۵	۳/۶۹	۱/۰۴
۲	سیاست و برنامه کارشناسی و مناسب بر ثبات سیاسی و نبود خشونت در جامعه	۵۰	۲	۵	۳/۶۸	۰/۹۶
۲۶	حجم منطقی منابع و تخصیص بهینه آنها بر ثبات سیاسی و نبود خشونت	۵۰	۲	۵	۳/۶۸	۱/۰۰

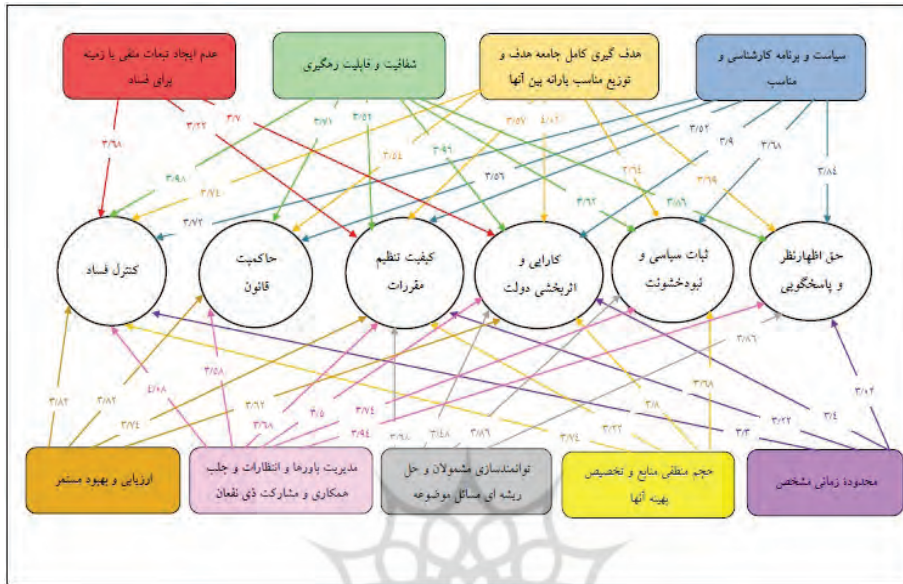
شماره گویه	رابطه	تعداد	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
۲۱	عدم ایجاد تبعات منفی یا زمینه برای فساد بر کنترل فساد	۵۰	۲	۵	۳/۶۸	۰/۸۹
۳۷	مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان بر کیفیت تنظیم مقررات	۵۰	۲	۵	۳/۶۸	۰/۸۹
۸	هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها بر ثبات سیاسی و نبود خشونت	۵۰	۲	۵	۳/۶۴	۰/۹۶
۱۴	شفافیت و قابلیت رهگیری بر ثبات سیاسی و نبود خشونت	۵۰	۲	۵	۳/۶۲	۰/۹۷
۴۰	ارزیابی و بهبود مستمر بر کارایی و اثربخشی دولت	۵۰	۲	۵	۳/۶۲	۰/۷
۳۸	مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان بر حاکمیت قانون	۵۰	۲	۵	۳/۵۸	۰/۹۸
۱۰	هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها بر کیفیت تنظیم مقررات	۴۹	۱	۵	۳/۵۷	۱/۱۰
۵	سیاست و برنامه کارشناسی و مناسب بر حاکمیت قانون	۵۰	۲	۵	۳/۵۶	۰/۹۷
۱۱	هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها بر حاکمیت قانون	۵۰	۱	۵	۳/۵۴	۱/۰۵
۴	سیاست و برنامه کارشناسی و مناسب بر کیفیت تنظیم مقررات	۵۰	۱	۵	۳/۵۲	۱/۱۵
۱۶	شفافیت و قابلیت رهگیری بر کیفیت تنظیم مقررات	۵۰	۲	۵	۳/۵۲	۱/۰۵
۳۶	مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان بر کارایی و اثربخشی دولت	۵۰	۱	۵	۳/۵	۰/۹۰
۳۲	توانمندسازی مضمولان و حل ریشه‌ای مسائل موضوعه بر کارایی و اثربخشی دولت	۵۰	۲	۵	۳/۴۸	۰/۹۰
۲۳	محدوده زمانی مشخص بر کارایی و اثربخشی دولت	۵۰	۱	۵	۳/۴	۱/۱۸

شماره گویه	رابطه	تعداد	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
۲۵	محدوده زمانی مشخص بر کنترل فساد	۵۰	۱	۵	۳/۳	۰/۹۹
۲۰	عدم ایجاد تبعات منفی یا زمینه برای فساد بر کیفیت تنظیم مقررات	۵۰	۱	۵	۳/۲۲	۱/۰۲
۲۴	محدوده زمانی مشخص بر کیفیت تنظیم مقررات	۴۹	۱	۵	۳/۲۲	۱/۰۵
۲۸	حجم منطقی منابع و تخصیص بهینه آنها بر کیفیت تنظیم مقررات	۵۰	۱	۵	۳/۲۲	۱/۱۵
۲۲	محدوده زمانی مشخص بر حق اظهارنظر و پاسخگویی	۵۰	۱	۵	۳/۰۲	۱/۲۲

بر اساس جدول فوق مهمترین رابطه مدل که بیشترین میزان موافقت خبرگان را به همراه داشته است، تأثیر «مدیریت باورها و انتظارات و جلب مشارکت و همکاری ذی‌نفعان بر کنترل فساد» است. کمترین میزان تأیید نیز مربوط به تأثیر «محدوده زمانی مشخص بر کیفیت تنظیم مقررات» بوده است. نتایج رتبه‌بندی از طریق آزمون فریدمن نیز ترتیب اهمیت روابط را تأیید می‌کند. شاخص فریدمن از نظر آماری معنادار است و نشان می‌دهد که بین رتبه‌ها یا میانگین نمرات کسب شده در روابط مفروض مدل تفاوت معناداری وجود دارد (شاخص فریدمن = 16/578، $P < 0.01$).

با اتمام مراحل کیفی و کمی پژوهش، مدل نهایی تحقیق مطابق با شکل ۱ طراحی شد. براساس این مدل، عناصر کارآمدی یارانه (مؤلفه‌های یارانه خوب) شامل ۹ عنصر است که نحوه ارتباط هر یک از آنها با شاخص‌های حکمرانی خوب و میانگین توافق خبرگان با تأثیرگذاری آن عنصر در شاخص‌های ذی‌ربط در شکل نشان داده شده است.

شکل ۱. مدل کارآمدسازی یارانه‌ها بر مبنای شاخص‌های حکمرانی خوب



بر اساس مدل فوق «سیاست و برنامه کارشناسی و مناسب»، «هدف‌گیری کامل جامعه هدف و توزیع مناسب یارانه بین آنها»، «شفافیت و قابلیت رهگیری» و «مدیریت باورها و انتظارات و جلب همکاری و مشارکت ذی‌نفعان» بر تمامی شاخص‌های حکمرانی خوب اثرگذارند و انتظار می‌رود ملاحظه آنها در خصوص یارانه‌های عمومی تأثیر قابل توجهی در کارآمدسازی یارانه‌ها داشته باشد. عدم رعایت آنها در تنظیم یارانه‌ها به‌طور قطع در میزان کارآمدی یارانه تأثیرگذار خواهد بود.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر کارآمدی یارانه‌های عمومی به معنای هم‌راستایی و هماهنگی آنها با شاخص‌های حکمرانی خوب تلقی شده است و بر این اساس تلاش شده ضمن شناسایی مؤلفه‌های یارانه خوب - یعنی مشخصه‌ها و عناصری که تأمین‌کننده

تناسب و هماهنگی یارانه‌ها با شاخص‌های حکمرانی خوب هستند - و نحوه ارتباط آنها با شاخص‌های مذکور، مدل کارآمدسازی یارانه‌ها بر مبنای الگوی حکمرانی خوب طراحی شود. در این راستا با بررسی و تحلیل ادبیات نظری و همچنین مصاحبه با خبرگان مرتبط با موضوع، ۹ عنصر متمایز به‌عنوان مؤلفه‌های یارانه خوب شناسایی و تبیین و چگونگی ارتباط آنها با شاخص‌های حکمرانی خوب مشخص شد.

نتایج پژوهش در تدوین و اجرای برنامه‌های مرتبط با یارانه‌های عمومی و نیز ارزیابی برنامه‌ها و قوانینی که در این خصوص پیشنهاد شده و یا در حال اجرا هستند، قابل استفاده است. در واقع مؤلفه‌های یارانه خوب می‌توانند به منزله چارچوبی برای سنجش میزان کارآمدی طرح‌ها و برنامه‌های یارانه‌ای مورد استفاده قرار گیرند. به‌طور مثال اگر در کشور ما قانون هدفمندی یارانه‌ها بر مبنای مؤلفه‌های مزبور ارزیابی شود، می‌توان مشخص کرد که برنامه ذی‌ربط در کدام مؤلفه‌ها با نقص و ایراد روبه‌روست و با انجام اقدامات مناسب در جهت برطرف کردن آنها، زمینه لازم برای بهبود یارانه‌ها و افزایش کارآمدی آنها را فراهم کرد.

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر، عوامل بهبود یارانه‌های عمومی در بستر شاخص‌های حکمرانی خوب مدنظر قرار گرفته‌اند و ارتباط هر یک از مؤلفه‌های یارانه خوب حداقل با چند مورد از شاخص‌های مزبور تأیید شده است، انتظار می‌رود با رعایت مؤلفه‌های ذکر شده علاوه بر افزایش کارآمدی عملکرد دولت در حوزه یارانه‌ها، رتبه کشور در زمینه شاخص‌های حکمرانی خوب نیز ارتقا یابد. البته مشخص است که تحقق کامل حکمرانی خوب مستلزم هم‌راستایی و تناسب همه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های عمومی (نه فقط سیاست‌های یارانه‌ای) با شاخص‌های حکمرانی خوب است و به تبع بالاترین رتبه حکمرانی خوب متعلق به کشوری است که برآیند عملکرد آن در حوزه‌های عمومی گوناگون از تناسب و هماهنگی بیشتری با شاخص‌های حکمرانی خوب برخوردار باشد.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، حیدر (۱۳۹۵). «طراحی و تبیین مدل بودجه‌ریزی عمومی براساس شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران»، رساله دکتری خط‌مشی‌گذاری در بخش عمومی، دانشگاه تهران.
۲. الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب شبکه‌ای از کنشگران جامعه مدنی»، مدیریت توسعه و تحول، ش ۱.
۳. پژویان، جمشید (سخنران) (۱۳۸۵). «کاربرد یارانه در اقتصاد ایران (سخنرانی دکتر جمشید پژویان)»، گزارش دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۷۹۲۴.
۴. پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۷). مبانی دانش اداره دولت و حکومت (مبانی مدیریت دولتی)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۵. دانایی‌فرد، حسن، جبار باباشاهی، عادل آذر و اسدالله کردنائیج (۱۳۹۱). «تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟»، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۶، ش ۴.
۶. رئیس‌زاده، محمدعلی و محمدرضا منجذب (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر اصلاح یارانه‌ها بر میزان مصرف گاز طبیعی در بخش خانگی و تجاری ایران: بارویکرد پانل دیتا»، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۱، ش ۱.
۷. زهیری، علیرضا (۱۳۹۳). «نسبت‌سنجی بوم‌شناسانه الگوی حکمرانی خوب»، علوم سیاسی، سال هفدهم، ش ۶۶.
۸. زیرک، معصومه (۱۳۹۲). «تحلیل وضعیت پرداخت یارانه‌ها در ایران با تأکید بر آسیب‌شناسی سیاست‌های دولت در راستای اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها»، سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال ۱، ش ۱.
۹. سپهردوست، حمید (۱۳۹۲). «اثر کارآمدی یارانه کالاهای اساسی بر توزیع درآمد: مطالعه موردی استان همدان»، بررسی‌های بازرگانی، ش ۶۰.
۱۰. شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌اله قلی‌پور (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، دوره اول، ش ۴.
۱۱. شهائی، بهنام، حسن دانایی‌فرد و عادل آذر (۱۳۹۵). «تبیین ثبات و تغییر خط‌مشی یارانه‌ای ایران: چارچوب ائتلاف مدافع»، مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۵، ش ۱.
۱۲. فرزین، محمدرضا، سیدشمس‌الدین حسینی و علی موحدنژاد (۱۳۹۱). مبانی طرح تحولات اقتصادی با

- تأکید بر هدفمند کردن یارانه‌ها، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۱۳. قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۳). «تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت»، دانش مدیریت، ش ۶۷.
۱۴. مرکز آموزش مدیریت دولتی (۱۳۹۰). *آشنایی با نظام هدفمند کردن یارانه‌ها*، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری.
۱۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲). «پیشنهادهایی برای بازنگری در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۳۳۶۰.
۱۶. --- (۱۳۹۳). «ضرورت بازنگری و اصلاح قانون هدفمند کردن یارانه‌ها»، مطالعات برنامه و بودجه، شماره مسلسل ۱۳۶۱۳.
۱۷. مصباحی‌مقدم، غلامرضا، حمیدرضا اسمعیلی گیوی و مهدی رعایانی (۱۳۸۸). «بررسی و آسیب‌شناسی هدفمندسازی پرداخت یارانه‌ها»، *اقتصاد اسلامی*، دوره ۹، ش ۳۵.
۱۸. مقیمی، سیدمحمد، علی‌اصغر پورعزت، حسن دانایی‌فرد و حیدر احمدی (۱۳۹۵). «طراحی و تبیین مدل بودجه‌بندی براساس شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران»، مدیریت دولتی، دوره ۸، ش ۴.
19. Afcha, S. and G.L. Lopez (2014). "Public Funding of R and D and its Effect on the Composition of Business R and D Expenditure", *BRQ Business Research Quarterly*, 17.
20. Bai, Y., S. Song, J. Jiao and R. Yang (2019). "The Impacts of Government R and D Subsidies on Green Innovation: Evidence from Chinese Energy-intensive Firms", *Journal of Cleaner Production*, 233.
21. Basurto, M.P., P. Dupas, J. Robinson (2020). "Decentralization and Efficiency of Subsidy Targeting: Evidence from Chiefs in Rural Malawi", *Journal of Public Economics*, 185.
22. Bernini, C., A. Cerqua and G. Pellegrini (2017). "Public Subsidies, TFP and Efficiency: A Tale of 23. Complex Relationships", *Research Policy*, 46 (4).
23. Colombo, M.G., A. Croce and M. Guerini (2013). The Effect of Public Subsidies on Firms' Investment – cash Flowsensitivity: Transient or Persistent?, *Research Policy*, 42 .
24. Dizon-Ross, R., P. Dupas and J. Robinson (2017). "Governance and the Effectiveness

- of Public Health Subsidies: Evidence from Ghana, Kenya and Uganda”, *Journal of Public Economics*, 156.
25. Dolšak, J., N. Hrovatin and J. Zoric (2020). “Factors Impacting Energy-efficient Retrofits in the Residential Sector: The Effectiveness of the Slovenian Subsidy Program”, *Energy and Buildings*, 229.
26. Feizpour, M.A., M. Mahinizadeh, K. Yavari and I. Shaker Ardakanya (2016). “Subsidy Allocation Using ZSG-DEA Model: Evidence from Manufacturing Industries in Iran”, *Iranian Journal of Economic Studies*, 5(2).
27. Ferraresi, M., C. Kotsogiannis and L. Rizzo (2018). “Decentralization and Fuel Subsidies”, *Energy Economics*, 74.
28. Grima, S., H. Gorg, E. Strobl and F. Walsh (2008). “Creating Jobs Through Public Subsidies: An Empirical Analysis”, *Labour Economics*, 15.
29. Hokayem, J. E. and A. Kairouz (2014). “Euro-Med: Public Management and Good Local Governance”, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 12.
30. Hünermund, P. and D. Czarnitzki (2019). “Estimating the Causal Effect of R and D Subsidies in a Pan-European Program”, *Research Policy*, 48 (1).
31. Jeon, Ch., J. Lee and J. Shin (2015). “Optimal Subsidy Estimation Method Using System Dynamics and the Real Option Model: Photovoltaic Technology Case”, *Applied Energy*, 142.
32. Jha, R., R. Gaiha, M. K. Pandey and N. Kaicker (2013). “Food Subsidy, Income Transfer and the Poor: A Comparative Analysis of the Public Distribution System in India’s States”, *Journal of Policy Modeling*, 35.
33. Kaufmann, D., A. Kraay and M. Mastruzzi (2010). “The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues”, Policy Research Working Paper 5430, The World Bank.
34. Li, Y., X. Shi and B. Su (2017). “Economic, Social and Environmental Impacts of Fuel Subsidies: A Revisit of Malaysia”, *Energy Policy*, 110.
35. Lockwood, M. (2010). “Good Governance for Terrestrial Protected Areas: A Framework, Principles and Performance Outcomes”, *Journal of Environmental Management*, 91.
36. MacGregor, S., N. Singleton and F. Trautmann (2014). “Towards Good Governance in Drug Policy: Evidence, Stakeholders and Politics”, *International Journal of Drug Policy*, 25.
37. McCall, M. and C.E. Dunn (2012). “Geo-information Tools for Participatory Spatial Planning: Fulfilling the Criteria for ‘Good’ Governance?”, *Geoforum*, 43.

38. Rentschler, J. and M. Bazilian (2017). "Principles for Designing Effective Fossil Fuel Subsidy Reforms", *Review of Environmental Economics and Policy*, 11 (1).
39. Schommer, J.C., M.M. Worley, A.L., Kjos and S.V.S. Pakhomov (2009). "A Thematic Analysis for How Patients, Prescribers, Experts and Patient Advocates View the Prescription Choice Process", *Research in Social and Administrative Pharmacy*, 5.
40. Singleton, N. and J. Rubin (2014). "What is Good Governance in the Context of Drug Policy?", *International Journal of Drug Policy*, 25 (5).
41. Sovacool, B.K. (2017). "Reviewing, Reforming and Rethinking Global Energy Subsidies: Towards a Political Economy Research Agenda", *Ecological Economics*, 135.
42. Sun, Y., Q. Guo, P. Schonfeld and Z. Li (2016). Implications of the Cost of Public Funds in Public Transit Subsidization and Regulation, *Transportation Research Part A*, 91.
43. World Bank (1994). *Governance the World Bank's Experience*, L Washington D.C., World Bank.
44. Wu, T., Sh. Yang and T. Tan (2020). "Impacts of Government R and D Subsidies on Venture Capital and Renewable Energy Investment - an Empirical Study in China", *Resources Policy*, 68.
45. Zhang, H., L. Li, P. Zhou, J. Hou, and Y. Qiu (2014). "Subsidy Modes, Waste Cooking Oil and Biofuel: Policy Effectiveness and Sustainable Supply Chains in China", *Energy Policy*, 65.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی